

# وہابیت و تخریب قبور

## وهابیت و تخریب قبور

یکی از عقائد وهابیت، نهی از بناء بر قبور و لزوم تخریب بناهای قبور می‌باشد این اعتقاد وهابیت بر خلاف اعتقاد مسلمانان می‌باشد. مسلمانان در طول تاریخ بر روی قبور اولیای الهی بنایی را می‌ساختند و از زیارت قبر اولیای الهی بهره می‌بردند اما وهابیت بر خلاف همه مسلمین، هر موقع به شهری حمله کرده و بر شهرهای مسلمان تسلط پیدا کرده‌اند، قبور اولیای الهی در آن شهر را تخریب نمودند. تخریب قبور اولیای الهی در مکه و حجاز و مدینه نمونه‌ای از این عمل وهابیت می‌باشد که در این مقاله به آن اشاره شده است.

### بیانیه علمای مکه و نجد

علمای مکه در راس آنها، شیخ عبدالقادر شیبی کلیددار خانه کعبه، به دیدن ابن سعود آمدند، ابن سعود سخنانی ایراد کرد و در ضمن آن از دعوت محمد بن عبدالوهاب یاد کرد و اظهار داشت که احکام دینی ما، طبق فقه احمد بن حنبل است، حال اگر این سخنان در نزد شما پذیرفته است، بیایید تا برای عمل کردن به کتاب خدا و سنت خلفای راشدین با یکدیگر بیعت کنیم. همه با او بیعت کردند.

سپس یکی از علمای مکه، از ابن سعود درخواست کرد که مجلسی ترتیب بدهد تا علمای مکه و نجد در اصول و فروع به مباحثه بپردازند، وی این پیشنهاد را پذیرفت و در روز یازدهم جمادی الاولی، پانزده نفر از علمای مکه و هفت نفر از علمای نجد، اجتماع کردند و مدتی باهم بحث کردند و در پایان بیانیه‌ای از طرف علمای مکه صادر شد، مبنی بر این که در پاره‌ای از مسائل اصولی، میان علمای مکه و علمای نجد، موافقت گردید، از جمله این که هرکس میان خود و خدا واسطه قرار دهد، کافر است و تا سه بار توبه داده می‌شود و اگر توبه نکرد، باید کشته شود. دیگر ساختمان بر روی قبور و چراغ روشن کردن در اطراف قبور و نماز خواندن در کنار آنها حرام است. و نیز اگر کسی خدا را به جاه و مقام کسی بخواند، مرتکب بدعت شده و بدعت در اسلام حرام است.[1]

### ویران ساختن مقابر و مشاهد حجاز به وسیله وهابیان

وقتی که وهابیان وارد طائف شدند، گنبد مدفن ابن عباس را خراب کردند، چنان که این کار را یکبار دیگر نیز انجام داده بودند و هنگامی که وارد مکه شدند، قبه‌های قبرهای عبدالمطلب جد پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ابوطالب عموی پیامبر و خدیجه ام المؤمنین (همسر اول پیامبر) و همچنین بنای زادگاه پیامبر و فاطمه زهرا(علیها السلام) را با خاک یکسان نمودند. در جده قبه قبر حوا را ویران ساختند و به طور کلی تمام مقابر و مزارات را در مکه، جده و طائف و نواحی آنها از بین بردند و زمانی هم که مدینه را محاصره کرده بودند، مسجد و مزار حمزه و مقبره شهدای احد را که بیرون شهر بود، خراب کردند.

مرحوم علامه امین می‌نویسد:

«و شایع است که آنها گنبد مرقد مطهر نبوی را هم به توپ بستند، اما خود وهابی‌ها منکر چنین چیزی هستند. چون این خبر به گوش ملت ایران رسید، سخت دچار نگرانی شد و علما و

بزرگان اجتماع کردند و این پیش آمد را امری بزرگ تلقی نمودند و ما در دمشق از یکی از علمای بزرگ خراسان و از شهر مقدس مشهد تلگرافی دریافت نمودیم که طی آن حقیقت قضیه را از ما سؤال کرده بودند، سپس دولت ایران گروهی را برای تحقیق به حجاز اعزام داشتند، تا از حقیقت ماجرا دولت خویش را مطلع سازند.[2]

پس از تسلط وهابیه بر مدینه منوره قاضی القضاة وهابی‌ها، شیخ عبدالله بن بلیهد در ماه رمضان 1344 از مکه به مدینه آمد و اعلامیه‌ای صادر نمود و ضمن آن از اهل مدینه سؤال کرد که درباره خراب کردن قبّه‌ها و مزارات چه می‌گویند؟ بسیاری از مردم از ترس جوابی ندادند و بعضی از آنان خراب کردن را لازم دانستند و متن سؤال و جواب را منتشر ساخت.»  
مرحوم علامه سید محسن امین در این باره می‌نویسد:

«مقصود شیخ عبدالله ز این سؤال استفتاء حقیقی نبود، زیرا وهابیه در وجوب خراب کردن تمام قبّه‌ها و ضریح‌ها حتی قبّه روی قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله) هیچ تردیدی ندارند، این 2 قاعده و اساس مذهبشان می‌باشد و سؤال مزبور تنها برای تسکین خاطر مردم مدینه بود.»  
بعد از سؤال مذکور، آنچه در مدینه و اطراف آن گنبد و ضریح و مزار بود، ویران ساختند از جمله گنبد‌های ائمه مدفون در بقیع که عباس عموی پیغمبر(صلی الله علیه وآله) نیز در آن مدفون بود و دیوارها و صندوق روی قبور، همه را خراب کردند، همچنین گنبد‌های عبدالله پدر پیامبر(صلی الله علیه وآله) و آمنه مادر آن حضرت و نیز گنبد‌ها و قبور زوجات پیامبر(صلی الله علیه وآله) و گنبد عثمان بن عفان و اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام و مالک پیشوای مذهب مالکی را ویران ساختند، خلاصه سخن این که در مدینه و اطراف و در ینبع قبری باقی نگذاشتند.»[3]  
باز می‌نویسد:

«وهابی‌ها از ترس نتیجه کارشان از خراب کردن گنبد و بارگاه رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) خودداری کردند و گرنه آنان هیچ قبر و ضریحی را استثناء نکرده اند، بلکه قبر پیامبر از جهت آن که بیشتر مورد احترام و علاقه مردم است، از نظر آنها اولی به خرابی است، اما آنچه که پادشاه سعودی اظهار داشته که «ما قبر پیامبر را محترم می‌دانیم» بدون شک چنین کلامی برخلاف عقائد آنهاست و این سخن را جز برای مصلحت و جلوگیری از تحریک عواطف جهان اسلام، بر ضدشان، نگفته است و اگر از این نظر خاطر جمع می‌شدند، حتما قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله) را نیز ویران می‌ساختند، بلکه نخست و پیش از سایر مزارات آنجا را خراب می‌نمودند.

چون این عمل زشت وهابیان در حجاز و آنچه را که نسبت به قبور ائمه بقیع کرده بودند، به گوش مسلمانان در نقاط مختلف جهان رسید، این جنایت را بزرگ شمردند و در محکومیت آن، تلگراف‌هایی از عراق و ایران و سایر کشورها به ابن سعود مخابره شد و به عنوان اعتراض درسها و نماز جماعتها تعطیل گشت و مجالس سوگواری تشکیل گردید.[4]  
مطلبی که بیشتر موجب نگرانی شد، انتشار این موضوع بود که گنبد روی قبر مطهر پیامبر(صلی الله علیه وآله) را نیز به گلوله بسته‌اند (و حتی قبر مقدس را خراب کرده اند) اما بعدا معلوم شد این خبر صحت نداشته خود وهابی‌ها هم آن را انکار کردند.»

جابری انصاری در کتاب «تاریخ اصفهان» در ضمن وقایع سال 1343 هجری به داستان حمله وهابی به حجاز و ویران ساختن قبور اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«ضریح پولادی که حاج امین السلطنه در سال 1312 ه دستور داد در اصفهان دو سالی ساختند، برداشتند (از روی قبور ائمه بقیع) و چون وهابیه خواسته بودند وارد مرقد مقدس ختمی مرتبت شوند، یکی از آنان، ابن آیه را خوانده بود: «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی...» لذا از آن جسارت گذشتند.»[5]

## بمباران مدینه و انعکاس آن در ایران و سایر ممالک اسلامی

مؤلف کتاب «تاریخ بیست ساله ایران» حسین مکی، زیر عنوان فوق می‌نویسد:

«تقریباً در اوایل شهریور 1304 برابر اوایل صفر 1343 در نتیجه محارباتی که بین طائفه وهابی‌ها (ابن السعود ملک نجد و حجاز) که بعدها به نام کشور عربی سعودی موسوم گردید، و صاحب الاحساء و ملک حسین شریف مکه و مدینه روی داد، برخی از شهرهای مکه و مدینه بمباران گردید و پس از تصرف مدینه شهر مزبور نیز از طرف قوای ابن السعود بمباران شد، بعضی از مقابر صحابه و مساجد و مقابر ائمه شیعه ویران گردید. خبر این بمباران در عالم اسلام و مخصوصاً عالم تشیع صدای عجیبی کرد و عواطف مذهبی مردم را سخت تحریک نمود، از تمام نقاط ایران تلگرافاتی به علمای تهران شد و علمای مرکز نیز جلساتی تشکیل داده و در اطراف این موضوع به مذاکره و بحث پرداختند. سردار سپه نیز در این زمینه بخشنامه زیر را صادر نمود: «متحد المآل تلگرافی و فوری است. عموم حکام ایالات و ولایات و مامورین دولتی.

به موجب اجبار تلگرافی از طرف طائفه وهابی‌ها اسائه ادب به مدینه منوره شده و مسجد اعظم اسلامی را هدف تیر توپ قرار داده اند. دولت از استماع این فاجعه عظیم بی نهایت مشوش و مشغول تحقیق و تهیه اقدامات مؤثره می‌باشد، عجالاً با توافق نظر آقایان حجج اسلام مرکز تصمیم گرفته شده است که برای ابراز احساسات و عمل به سوگواری و تعزیه داری یک روز تمام مملکت تعطیل عمومی شود، لهذا مقرر می‌دارم عموم حکام و مامورین دولتی در قلمرو ماموریت خود به اطلاع آقایان علمای اعلام هر نقطه، به تمام ادارات دولتی و عموم مردم این تصمیم را ابلاغ و روز شنبه شانزدهم صفر را روز تعطیل و عزاداری اعلام نمایند. ریاست عالی کل قوا و رئیس الوزراء - رضا.»

مکی می‌افزاید:

«بر اثر تصمیم فوق روز شنبه شانزدهم صفر تعطیل عمومی شد، از طرف دستجات مختلفه تهران مراسم سوگواری و عزاداری به عمل آمد و بر طبق دعوتی که به عمل آمده بود، در همان روز علما در مسجد سلطانی اجتماع نمودند و دستجات عزادار با حال سوگواری از کلیه نقاط تهران به طرف مسجد سلطانی عزیمت کرده در آنجا اظهار تاسف و تأثر به عمل آمد و عصر همین روز یک اجتماع چندین ده هزار نفر در خارج دروازه دولت تشکیل گردید و در آنجا خطبا و ناطقین نطقهای آتشین و مهیجی کرده، نسبت به قضایای مدینه و اهانتی که از طرف وهابی‌ها به گنبد مطهر حضرت رسول به عمل آمده بود، اظهار انزجار و تنفر شد. [6]

وضع قبور ائمه بقیع پیش از خراب کردن وهابی‌ها در سفرنامه های حج، وضع قبور ائمه بقیع قبل از خراب کردن وهابیها به تفصیل شرح داده شده و تصاویری از آنها ارائه گردیده است از جمله این سفرنامه ها، سفرنامه میرزا حسین فراهانی است. وی در سال 1302 قمری توفیق زیارت حج پیدا کرده و درباره قبور ائمه بقیع چنین نوشته است:

«قبرستان بقیع، قبرستان وسیعی است که در شرقی سور (بارو) مدینه متصل به دروازه سور واقع شده و دورتادور آن را دیوار سه ذرعی از سنگ و آهک کشیده‌اند و چهار در دارد دو درب آن از طرف غرب و در کوچه پشت سور است و یک درب طرف جنوب و درب دیگر آن شرقی و طرف حش کوكب است که در کوچه باغهای بیرون شهر است و از بس در این قبرستان سرهم دفن کرده اند، اغلب قبرستان یک ذرع متجاوز از سطح زمین ارتفاع بهم رسانیده است و در اوقات آمدن حجاج به مدین، همه روزه درهای این قبرستان تا وقت مغرب باز است و هرکس می‌خواهد می‌رود و در غیر وقت حج، ظهر روز پنجشنبه باز می‌شود و تا نزدیک غروب روز جمعه بعد بسته است مگر آن که کسی بمیرد و آنجا دفن کنند.

چهار نفر از ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین در بقعه بزرگی که به طور هشت ضلعی ساخته شده، واقعند و اندرون و گنبد او سفیدکاری است و بنای این بقعه معلوم نیست از که و چه وقت بوده اما محمد علی پاشای مصری در سنه 1234 به امر سلطان محمود خان عثمانی تعمیر کرده و بعد همه ساله از جانب سلاطین عثمانی این بقعه مبارکه و سایر بقعه جات واقعه در بقیع تعمیر می شود در وسط این بقعه مبارکه، صندوق بزرگی است از چوب جنگلی خیلی ممتاز و در وسط این صندوق بزرگ دو صندوق چوبی دیگر است و در این دو صندوق پنج نفر مدفونند: یکی امام ممتحن حضرت حسن و یکی حضرت سجاد و یکی حضرت امام محمد باقر و یکی حضرت صادق (علیهم السلام) است و یکی عباس عم رسول الله (صلی الله علیه وآله) است که بنی عباس از اولاد اویند و در وسط بقعه متبرکه در طاق نماي غربی مقبره ای است که به دیوار یک طرف او را ضریح آهنی ساخته اند و می گویند: قبر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است.

چند محل است که مشهور به قبر صدیقه طاهره است: یکی در بقیع در حجره ای که بیت الاحزان می گویند و به همین ملاحظه اغلب در بیت الاحزان نیز زیارت صدیقه کبری (علیها السلام) را می خوانند و در جلو همین قبر مبارک، پرده گلابتون دور گنبد آویخته و از گلابتون بیرون آورده اند که: سلطان احمد بن سلطان محمد بن سلطان ابراهیم، (سنه احدی و ثلثین و مائة بعد الالف 1131)»

مرحوم فراهانی می افزاید:

«در این بقعه مبارکه دیگر زینتی نیست مگر دو چلچراغ کوچک و چند شمعدان برنز، و فرش زمین بقعه، حصیر است و چهار، پنج نفر متولی و خدام دارد که ابا عن جد هستند و مواظبتی ندارند و مقصودشان اخذ تنخواه (پول) از حجاج است.

حجاج اهل تسنن بر سبیل ندرت در این بقعه متبرکه به زیارت می آیند و برای آنها ممانعتی در زیارت نیست و تنخواهی از آنها گرفته نمی شود. اما حجاج شیعه هیچ یک را بی دادن وجه نمی گذارند داخل بقعه شوند مگر آن که هر دفعه تقریباً از یک قران الی پنج شاهی به خدام بدهند و از این تنخواهی که با این تفصیل از حجاج می گیرند، باید سهمی به نائب الحرم و سهمی به سید حسن پسر سید مصطفی که مطوف عجم است، برسد و بعد از دادن تنخواه هیچ نوع تقیه در زیارت و نماز نیست و هر زیارتی سرا یا جهر می خواهند بکنند آزاد است و ادا لسانا و یدا صدمه ای به حجاج شیعه نمی رسانند. پشت گنبد ائمه بقیع بقعه کوچکی است که بیت الاحزان حضرت زهرا (علیها السلام) است.»

فراهانی، سپس به تعریف و توصیف قبور بقیع و بنای روی آنها می پردازد [7] از جمله سفرنامه نویسان حاج فرهاد میرزا است که در سال 1292 قمری به سفر حج رفته و در سفرنامه خود به نام «هدیه السبیل» می نویسد:

«از باب جبرئیل درآمده به زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) مشرف شدم که صندوق ائمه اربعه (علیهم السلام) در میان صندوق بزرگ است که عباس عم رسول الله (صلی الله علیه وآله) نیز در آن صندوق است، ولی صندوق ائمه که در میان همان صندوق بزرگ است، مفروز است که دو صندوق است.»

مرحوم فرهاد میرزا می گوید:

«متولی آنجا در ضریح را باز کرده به میان ضریح رفته و طوافی دور ضریح کردم و طرف پائین پا خیلی تنگ است که میان صندوق و ضریح کمتر از نیم ذرع است که به زحمت می توان حرکت کرد.» [8]

مؤلف کتاب «تحفة الحرمین» نائب الصدر شیرازی که در سال 1305 ه ق به مسافرت حج

تشریف یافته در سفرنامه خود، چنین نوشته است:  
«وادی بقیع به دست راست است، مسجد پوشیده ای است مانند اطاق بر سر او نوشته:  
«هذا مسجد ابی بن کعب و صلی فیہ النبی غیر مرة» (این مسجد ابی بن کعب است که پیغمبر مکرر در آن نماز گزارد) بقعه ائمه بقیع جناب امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهم السلام) در یک ضریح می‌باشند. می‌گویند: عباس بن عبدالمطلب آنجا مدفون است و آثاری در آن بقعه در پیش روی ائمه به طرف دیوار مانند شاه نشین ضریح و پرده دارد می‌گویند جناب صدیقه طاهره مدفون هستند.» [9]

ابراهیم رفعت پاشا که در سالهای 1318 و 1320 و 1321 و 1325 ق که در سفر اول به عنوان رئیس نگهبان محمل قافله حجاج مصر و سفرهای بعدی به عنوان امیرالحاج مصر بوده، برای سفرهای چهارگانه خود سفرنامه مفصلی به نام «مرآة الحرمین» نوشته است وی در این کتاب ارزشمند وضع قبور اجداد پیامبر و ام المؤمنین خدیجه در مکه و قبور ائمه مدفون در بقیع را قبل از سال 1344 ق یعنی قبل از خراب کردن وهابی‌ها به تفصیل شرح داده و تصاویری روشن از آنها ارائه داده است وی وضع قبور بقیع و افراد معروفی که در آن مدفونند از صحابه پیامبر (صلی الله علیه وآله) و غیر آنان ذکر کرده و گفته است که قبه اهل بیت (علیهم السلام) (مقصود ائمه مدفون در بقیع) از بقعه‌های دیگر بلندتر است.» [10]

رفعت پاشا در ضمن ذکر وضع بقعه‌ها؛ عکس‌ها و تصاویری از بقاع بقیع که بقعه و گنبد ائمه از همه آنها مجلل‌تر و بلندتر است، و از صحن و سرای باشکوه حضرت خدیجه در مکه، ارائه کرده است.

خلاصه؛ تا سال 1344 قبل از تسلط وهابی‌ها بر حجاز، قبور مدفون در بقیع و پاره ای قبور دیگر در مکه و مدینه دارای گنبد و بارگاه و فرش و شمعدان و چراغ و قندیل بوده است، بسیاری از کسانی که قبل از این تاریخ آنجا را دیده اند، وضع بنا و دیگر خصوصیات مربوط به مقابر را با ذکر جزئیات و احیاناً با ارائه تصاویری در گنبد و بارگاه آنها، در سفرنامه های خود ذکر کرده اند.

[1] 2.344 [2].55 [3].55 [4].55 [5].392 [6].366 365 [7].281 [8].127 [9].227 [10].1925 - 1344 426 1